

## اثر خانواده‌گرایی بر خودکم‌بینی، انگیزش تحصیلی و عزت نفس با میانجی‌گری رابطه مادر - دختر

ذبیح‌اله عباس‌پور<sup>۱</sup>  
سامره کریمی<sup>۲</sup>  
عباس امان‌الهی<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف این تحقیق بررسی نقش واسطه‌ای رابطه مادر - دختر در رابطه بین خانواده‌گرایی با خودکم‌بینی، انگیزش تحصیلی، عزت نفس دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم شهرستان مسجدسلیمان بود. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان دختر متوسطه اول و دوم شهرستان مسجدسلیمان بودند که از بین آن‌ها، ۲۵۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش، مقیاس خانواده‌گرایی نگرشی، مقیاس انگیزش تحصیلی، مقیاس عزت نفس روزنبرگ و مقیاس رابطه والد - فرزند بودند. برای تحلیل داده‌ها از معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج ضریب هم‌بستگی پیرسون نشان داد بین خانواده‌گرایی با انگیزش تحصیلی، عزت نفس و رابطه مادر - دختر رابطه مثبت و معنادار و بین خانواده‌گرایی با خودکم‌بینی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. پس از حذف دو مسیر غیر معنادار، مدل نهایی برازندگی مناسبی را نشان داد. نتایج معادلات ساختاری نشان داد که خانواده‌گرایی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم و از طریق رابطه

۱. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (z.abbaspour@scu.ac.ir) (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

مادر - دختر بر انگیزش تحصیلی اثر مثبت و معنادار داشت. همچنین خانواده‌گرایی از طریق رابطه مادر - دختر اثر غیر مستقیمی بر عزت نفس و خود کم‌بینی داشت. زندگی با ارزش‌های خانوادگی و ارجح قرار دادن خانواده بر خود فرد می‌تواند باعث ایجاد احساس تعلق شود. ارزش‌های خانوادگی شامل روابط نزدیک با اعضای خانواده گسترده، ابراز عشق و علاقه، نصیحت‌شنوی از اعضای خانواده در موقعیت‌های دشوار، مسئولیت‌پذیری و مشارکت فکری در زمان تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند کیفیت تعاملات خانوادگی به خصوص رابطه مادر را تسهیل کند. این روند می‌تواند مبنای سلامت روان و سایر موفقیت‌های دانش‌آموزان باشد.

واژه‌های کلیدی: خانواده‌گرایی، خود کم‌بینی، انگیزش تحصیلی، عزت نفس، رابطه مادر - دختر.

### **The Effect of Familism on Self-derogation, Educational Motivation and Self-esteem with Mediating Mother-daughter Relationship**

Zabihollah Abbaspour<sup>1</sup>

Samere Karimi<sup>2</sup>

Abbas Amanollahi<sup>3</sup>

#### **Abstract**

The purpose of this study is to examine the mediating role of mother-daughter relationship in relation between familism and self-derogation, educational motivation, and self-esteem among junior high school students in MasjedSoleiman. The statistical population of this study was junior high school students in MasjedSoleiman, 250 of them were selected by multi-stage sampling technique. Measures used in this study were Attitudinal Familism Scale, Academic Motivation Scale, Rosenberg Self-Esteem Questionnaire and Parent-Child Relationship Survey. Structural Equation Modeling was used to analyze the data. The results of Pearson correlation coefficient showed that there was a positive significant correlation between familism and educational motivation, self-esteem, and mother-daughter relationship and negative significant correlation between familism and self-assimilation. After eliminating two irrelevant paths, the final model showed good fitness. The results of path analysis showed that familism through mother-daughter

---

1. Assistant Professor of Counseling Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (z.abbaspour@scu.ac.ir) (Corresponding Author).

2. Masters student in Family Counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

3. Associate Professor of Counseling Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

relationship had direct and indirect effects on academic motivation. In addition, the results showed that familism through mother-daughter relationship had indirect effect on self-derogation and self-esteem. Living with familism values and putting the family before the individual may develop a sense of belonging. Familism values such as building close relationships with extended family members, showing love and affection, seeking advice from family members in times of distress, having the responsibility, and thinking about the family when making important decisions, can facilitate quality of family interactions, especially relationship between mother and girl. This process may be the basis of mental health and other successes in students.

**Keywords:** Familism, Derogation, Educational Motivation, Self-esteem, Mother-daughter Relationship

#### مقدمه

در خانواده ارزش‌هایی وجود دارد که تداوم حیات آن وابسته به این ارزش‌هاست. از جمله مهم‌ترین ارزش‌های درون خانواده، خانواده‌گرایی<sup>۱</sup> است که بر پیوندهای نزدیک خانوادگی و حمایت خانواده تأکید دارد (هرناندز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). خانواده‌گرایی بخشی از نگاه سنتی جامعه است که بر نگرش‌های وفاداری، اعتماد و همکاری در بین گروه خانواده تأکید می‌کند. خانواده‌گرایی سازه‌ای است که ماهیت جمع‌گرایی و جهت‌گیری افراد نسبت به آسایش، وفاق و رفاه اعضای خانواده را نشان می‌دهد. از دیدگاه روان‌شناختی، خانواده‌گرایی به دسته‌ای از نگرش‌ها گفته می‌شود که برای زندگی شخصی و اجتماعی، رشد احساس وظیفه در بین اعضای گروه خانواده و همچنین این عقیده که بچه داشتن لازمه‌ای برای تحقق اجتماعی و فردی است بر روابط خانواده تأکید می‌کند (پونزتی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). در میان خانواده‌هایی که خانواده‌گرایی بالایی دارند، روابط بین فردی مثبت خانوادگی، اتحاد خانوادگی بالا، حمایت اجتماعی، داشتن وابستگی متقابل در انجام فعالیت‌های خانوادگی و مجاورت زیاد با اعضای خانواده بسیار گسترده است. اگرچه خانواده‌گرایی مفهومی جهانی است، ولی اینکه خانواده چگونه تعریف شود و التزام‌های خانواده چگونه در نظر گرفته شوند، در فرهنگ‌های مختلف متغیر است (ویلاریل<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۵، به نقل از رجیبی و عباس پور، ۱۳۹۲). برخی معتقدند که خانواده‌گرایی

1. familism
2. Hernandez
3. Ponzetti
4. Villarreal

سازه‌ای چندبعدی و دارای سه بعد ساختاری، رفتاری و نگرشی است (والنزولا و دورنباش<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). بُعد ساختاری «مرزهای فاصله‌ای و اجتماعی را نشان می‌دهد که رفتارها در آن رخ می‌دهد و نگرش‌ها معنا پیدا می‌کنند». همچنین حضور یا عدم حضور اعضای خانواده هسته‌ای و گسترده این مرزها را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، جنبه ساختاری به حضور یا عدم حضور ازدواج، خانواده گسترده و تعداد افراد خانواده که در یک خانوار زندگی می‌کنند، اشاره دارد (لاندال و اوروپسا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). بُعد رفتاری خانواده‌گرایی به رفتارهایی اشاره می‌کند که با احساس‌ها و نگرش‌های خانواده مرتبط است. دعوت از اعضای خانواده، کمک‌طلبی و دیدوبازدید نشانه‌هایی از این بُعد خانواده‌گرایی است. خانواده با حمایت عاطفی و ابزاری ادراک شده می‌تواند احتمال بروز پریشانی روان‌شناختی را کاهش دهد یا در موقعیت‌های محروم‌کننده، منابع مقابله‌ای بیشتری را در اختیار آن‌ها بگذارد تا پریشانی آن‌ها کاهش یابد (ژو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰).

متخصصان مسائل خانواده معتقدند که آسیب‌های روانی - اجتماعی افراد برگرفته از روابط درون‌خانوادگی است (خدادادی سنگده، ۱۳۹۶) و وضعیت روان‌شناختی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان متأثر از ساختارها، ارزش‌ها و کارکردهای خانواده است. پژوهش‌ها نشان داده است که عوامل ساختاری خانواده‌گرایی می‌توانند در مواجهه با ناسازگاری فرزندان، نقش عامل حمایتی را داشته باشند (هرناندز، ۲۰۱۷). پژوهش‌های قبلی نشان داده خانواده‌گرایی بر عزت نفس، انگیزه تحصیلی و خود‌کم‌بینی تأثیر دارد (قذاریان<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). درحقیقت، خانواده‌گرایی می‌تواند بر عزت نفس و خود‌کم‌بینی نوجوانان تأثیر داشته باشد. خانواده‌گرایی می‌تواند به‌طور مستقیم پریشانی روان‌شناختی را کاهش دهد. وجود خانواده گسترده سبب می‌شود که نوجوانان احساس عزت نفس و خودشکوفایی داشته باشند و در نتیجه، خطر پریشانی روان‌شناختی در آن‌ها کاهش یابد. ارزش‌ها و آداب و رسوم که با خانواده‌گرایی رابطه دارند نیز می‌توانند اهمیت وضعیت اجتماعی - اقتصادی را تعدیل کنند و در نتیجه اثر منفی نامساعد آن را کاهش دهند (ژو، ۲۰۱۰).

خانواده‌گرایی با رفتارهای مشکل‌آفرین و دشوار نوجوان رابطه دارد. در نوجوانانی که سطوح بالای خانواده‌گرایی را گزارش کردند، میزان رفتارهای مشکل‌آفرین بسیار

1. Valenzuela & Dornbusch
2. Landale & Oropesa
3. Xu
4. Ghazarian

کمتر بوده است (پارسای<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). الگوهای قدیمی باور دارند که تعارض والد - نوجوان در طی دوره نوجوانی شدید است و روابط والد - نوجوان با بالغ شدن او کم می‌شود و نوجوان از والدین کناره‌گیری می‌کند. او وارد دنیایی مستقل از والدین می‌شود. در مجموع می‌توان گفت الگوی قدیمی رابطه والد - نوجوان چنین بود که رابطه والدین با نوجوان سرشار از تنش بود. نتیجه چنین ارتباطی، استقلال و کناره‌گیری از والدین و مجزا شدن دنیای والدین و نوجوان بود (السون<sup>۲</sup>، ۱۹۸۰، به نقل از خدایاری فرد و عابدینی، ۱۳۸۶). تحقیقات جدید از دیدگاه سنتی روابط والدین و نوجوانان انتقاد کرده است و نظریه پردازان الگوهای جدیدی ارائه داده‌اند. در این الگوها، نوجوانان سالم ضمن اینکه با والدین خود زندگی می‌کنند، به طور هم‌زمان به استقلال نیز دست می‌یابند. الگوهای جدید تأکید دارند همچنان که نوجوانان دنیای بزرگ‌تر و پیچیده‌تر اجتماعی را کشف می‌کنند، والدین نیز هم‌زمان، با بزرگ‌تر شدن آن‌ها سیستم‌های حمایت از فرزندان را بر عهده می‌گیرند (عزیزی مهر، ۱۳۹۲)؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت اگر روابط والدین و فرزندان و در اینجا رابطه مادر - دختر، رابطه‌ای حمایتی و رضایت‌بخش باشد می‌تواند در رابطه بین خانواده‌گرایی با عزت نفس، انگیزش تحصیلی و خودکم‌بینی نقش میانجی‌گر را ایفا کند (قداریان و همکاران، ۲۰۰۸). در پژوهش برنال<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۷) نشان داده شد که بین خانواده‌گرایی و احترام به والدین رابطه معنادار وجود دارد.

خانواده‌گرایی به دلیل ثابت ماندن آن در طول نسل‌های مختلف و تأثیرات قابل پیش‌بینی که می‌تواند بر سازگاری روان‌شناختی افراد داشته باشد اخیراً مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. لارسون و جفری<sup>۴</sup> (۲۰۱۰)، به نقل از فلاح‌زاده و همکاران، (۱۳۹۸) معتقدند چگونگی اجتماعی شدن و تعاملاتی که فرد در خانواده مبدأ خود مشاهده می‌کند، بر نوع الگوی ارتباطی او در آینده اثر می‌گذارد. دگرگونی‌های نهاد خانواده به منزله کوچک‌ترین واحد بنیادی جامعه، همیشه مورد توجه صاحب‌نظران بوده است، زیرا تغییرات نهاد خانواده بر دیگر نهادهای اجتماعی اثر می‌گذارد. فرهنگ ایرانی فرهنگی جمع‌گرا بوده است که در دهه‌های اخیر تمایل زیادی به فردگرایی داشته است. این تناقض مشکلات زیادی برای خانواده‌ها و چالش‌هایی برای مشاوران و روان‌شناسان داشته است.

1. Parsai
2. Olson
3. Bernal
4. Larson & Jeffrey

خانواده‌ها به حفظ سنت‌ها و رسوم گرایش دارند، ولی نسل جوان در پی تغییر این الگوهای قدیمی است. لذا پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا بین خانواده‌گرایی با خود‌کم‌بینی، انگیزش تحصیلی و عزت نفس دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم شهرستان مسجدسلیمان از طریق رابطه مادر - دختر رابطه معناداری وجود دارد؟

### روش

این پژوهش به روش هم‌بستگی از نوع معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان دختر متوسطه اول و دوم شهرستان مسجدسلیمان بودند که در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای، از بین ۷۱۱ دانش‌آموز متوسطه اول و دوم، ۲۵۰ نفر برای نمونه پژوهش انتخاب شدند و ابزارهای پژوهش را تکمیل کردند. میانگین و انحراف معیار سن دانش‌آموزان به ترتیب ۱۴/۷۰ و ۲/۵۱ و با حداقل ۱۱ و حداکثر ۱۹ سال به دست آمدند.

### ابزارها

مقیاس خانواده‌گرایی نگرشی<sup>۱</sup>: مقیاس خانواده‌گرایی نگرشی را استیدل و کانتریراس<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) بر اساس چهار بُعد (مقدم بودن خانواده بر فرد، هم‌پیوندی خانوادگی، افتخار و شرافت خانوادگی و مطیع خانواده بودن) ساخته‌اند که ۱۸ ماده دارد. این مقیاس در طیف لیکرت ۱۰ رتبه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) مرتب شده است. نمره‌های این مقیاس بین ۱۸ تا ۱۸۰ متغیر است و نمره بالا، میزان بالای خانواده‌گرایی افراد را نشان می‌دهد. تحلیل عامل اکتشافی چهار عامل را نشان داد که ۵۲/۷۹ درصد کل واریانس را به خود اختصاص داد. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۳ و برای چهار عامل حمایت خانوادگی<sup>۳</sup> ۰/۷۲، هم‌پیوندی خانوادگی<sup>۴</sup> ۰/۶۸، افتخار و شرافت خانوادگی<sup>۵</sup> ۰/۶۸ و مطیع خانواده بودن<sup>۶</sup> ۰/۵۶ به دست آمد (استیدل و کانتریراس، ۲۰۰۳). شوارتز<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) در پژوهش خود ساختار عاملی این مقیاس را بررسی کرد و ساختار ۴ عاملی آن را مورد تأیید

1. Attitudinal Familism Scale
2. Steidel & Contreras
3. familial support
4. familial interconnectedness
5. familial honor
6. subjugation of self for family
7. Schwartz

قرار داد. رجیبی و عباس پور (۱۳۹۲) ساختار سه‌عاملی (حمایت خانوادگی، افتخار و شرافت خانوادگی و مطیع خانواده بودن) این مقیاس را تأیید کردند. ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۷۳، برای عامل‌های سه‌گانه از ۰/۵۵ تا ۰/۸۵ و ضریب روایی هم‌زمان آن با مقیاس پیوستگی و انطباق‌پذیری خانواده ۰/۲۱ ( $p=0/001$ ) محاسبه شد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۷ به‌دست آمد.

مقیاس انگیزش تحصیلی: مقیاس انگیزش تحصیلی را هارتر<sup>۱</sup> (۱۹۸۱)، به‌نقل از بحرانی، (۱۳۸۸) جهت سنجش انگیزش تحصیلی ساخته است. مقیاس اصلی هارتر (۱۹۸۱) انگیزش تحصیلی را با پرسش‌های دوقطبی می‌سنجد که یک قطب آن انگیزش درونی و قطب دیگر انگیزش بیرونی است و پاسخ آزمودنی به موضوع هر پرسش فقط می‌تواند یکی از دلایل بیرونی یا درونی را دربر داشته باشد. از آنجا که در بسیاری از موضوعات تحصیلی انگیزه‌های درونی و بیرونی هر دو نقش دارند، لپر<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۵)، به‌نقل از بحرانی، (۱۳۸۸) مقیاس هارتر را به‌شکل مقیاس‌های معمول درآوردند (که هر پرسش تنها یکی از دلایل انگیزش درونی و بیرونی را در نظر می‌گیرد) و ساختار تک‌عاملی آن را تأیید کردند. این پرسش‌نامه بر اساس مقیاس لیکرت هیچ‌وقت (۱) تا همیشه (۵) نمره‌گذاری می‌شود. بحرانی (۱۳۸۸) در پژوهش خود ساختار ۴ عاملی این مقیاس را تأیید کرد و ضریب پایایی این مقیاس را از طریق روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی به‌ترتیب برای انگیزش درونی ۰/۸۵ و ۰/۸۶ و برای انگیزش بیرونی ۰/۶۹ و ۰/۷۲ گزارش کرد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ کل این مقیاس ۰/۸۳ به‌دست آمد.

مقیاس عزت نفس روزنبرگ<sup>۳</sup>: مقیاس عزت نفس روزنبرگ یک مقیاس خود‌گزارشی مدادی - کاغذی ۱۰ ماده‌ای است که توسط روزنبرگ (۱۹۷۹)، به‌نقل از قذاریان و همکاران، (۲۰۰۸) ساخته شده است. این مقیاس از دو بُعد عزت نفس و خودکم‌بینی<sup>۴</sup> تشکیل شده است که هر کدام از ابعاد شامل ۵ ماده می‌شود. ماده‌های این مقیاس به‌صورت لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهش‌های قبلی ضریب همسانی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ از ۰/۶۱ تا ۰/۹۰ گزارش شده است. همچنین در پژوهش قذاریان و همکاران (۲۰۰۸) آلفای کرونباخ بُعد خودکم‌بینی ۰/۷۴ و بُعد عزت نفس ۰/۸۳ گزارش شده است. هم‌بستگی بالای این مقیاس پرسش‌نامه ملی نیویورک نشان داد که این

1. Harter
2. Lapper
3. Rosenberg Self-Esteem Scale
4. self-derogation

مقیاس اعتبار محتوایی لازم را دارد (علیزاده و همکاران، ۱۳۸۴). در این پژوهش آلفای کرونباخ بعد خود کم‌بینی ۰/۸۱ و بعد عزت نفس ۰/۷۶ به دست آمد. مقیاس رابطه والد - فرزندی؛ مقیاس رابطه والد - فرزندی (فاین و همکاران، ۱۹۸۳، به نقل از ثنایی، ۱۳۷۹) برای سنجیدن کیفیت روابط والد - فرزند استفاده شد. مقیاس رابطه والد - فرزند ابزاری ۲۴ ماده‌ای است که برای سنجیدن نظر نوجوانان درباره رابطه آن‌ها با والدینشان است. این مقیاس به دو صورت برای سنجیدن رابطه فرزند با مادر و رابطه فرزند با پدر قابل تغییر است. پاسخ‌ها در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از ۱ (خفیف) تا ۷ (شدید) تنظیم شده‌اند. حداقل نمره در این مقیاس، ۲۴ و حداکثر آن ۱۶۸ است. ضریب پایایی مقیاس رابطه والد - فرزند را فاین و همکاران (۱۹۸۳) با استفاده از روش آلفای کرونباخ به دست آوردند. ضرایب پایایی برای کل مقیاس، به روش آلفای کرونباخ، ۰/۹۶ و برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به رابطه با پدر ۰/۸۹ و برای رابطه با مادر ۰/۶۱ گزارش شده است. مقیاس رابطه والد - فرزندی با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ (هماندسازی) تا ۰/۹۴ برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). در این پژوهش آلفای کرونباخ مادر - دختر ۰/۸۷ به دست آمد.

### یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد:

شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار
خانواده‌گرایی	۱۲۴/۳۲	۳۱/۲۷
حمایت خانوادگی	۵۳/۶۷	۱۴/۷۰
افتخار و شرافت خانوادگی	۲۴/۶۷	۶/۵۷
مطیع خانواده بودن	۴۵/۹۸	۱۲/۱۱
رابطه مادر - دختر	۱۲۸/۴۳	۳۱/۲۸
خودکم‌بینی	۱۷/۲۷	۳/۴۵
انگیزش تحصیلی	۱۱۵/۱۳	۱۴/۹۴
عزت نفس	۸/۹۴	۳/۴۶



جدول شماره ۲ ماتریس ضرایب هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش حاضر را نشان می‌دهد:

جدول ۲ ماتریس ضرایب هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	خانواده گرایی	۱	۰/۹۶**	۰/۸۷**	۰/۹۵**	۰/۵۶**	-۰/۱۸**	۰/۳۲**	۰/۱۵**
۲	حمایت خانوادگی	۱	۱	۰/۷۶**	۰/۸۵**	۰/۵۴**	-۰/۱۱	۰/۲۸**	۰/۱۲*
۳	افتخار و شرافت	-	۱	۰/۷۷**	۰/۴۴**	۰/۱۵**	-۰/۲۸**	۰/۲۸**	۰/۱۰
۴	مطیع خانواده بودن	-	-	۱	۰/۵۵**	۰/۳۰**	-۰/۲۴**	۰/۳۰**	۰/۱۹**
۵	رابطه مادر - دختر	-	-	-	۱	۰/۳۱**	-۰/۳۲**	۰/۳۱**	۰/۳۰**
۶	خودکم‌بینی	-	-	-	-	۱	-۰/۳۴**	-۰/۳۴**	-۰/۷۷**
۷	انگیزش تحصیلی	-	-	-	-	-	۱	۰/۳۲**	۰/۳۲**
۸	عزت نفس	-	-	-	-	-	-	۱	۱

≤ p\* ۰/۰۵ ≤ p\*\* ۰/۰۱

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد روابط هم‌بستگی بین همه متغیرهای پژوهش به جز حمایت خانوادگی با خودکم‌بینی (۰/۱۱-) و افتخار و شرافت خانوادگی با عزت نفس (۰/۱۰) در سطح (p < ۰/۰۵) و (p < ۰/۰۱) معنادار است. جهت آزمون هم‌زمان انگاره روابط مفروض در پژوهش، روش الگویابی معادلات ساختاری اعمال شده است. به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی، بخش ساختاری الگو با استفاده از الگویابی معادلات ساختاری (SEM) با برآورد حداکثر درست‌نمایی (ML) برآورد شد. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس. نسخه ۲۱ و ایموس نسخه ۱۶ انجام گرفت. برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مانند مقدار مجذور کای ( $\chi^2$ )، شاخص هنجار شده مجذور کای (نسبت مجذور کای بر درجات آزادی)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص توکر - لویس (TLI) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) مورد استفاده قرار گرفت.

در الگوی پیشنهادی از مجموع ۴ متغیر خانواده‌گرایی به‌منزله متغیر برون‌زاد، رابطهٔ مادر - دختر به‌منزله متغیر میانجی و انگیزش تحصیلی، عزت نفس و خودکم‌بینی به‌عنوان متغیر ملاک بررسی شدند. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی الگوی اصلی بررسی شد. برازش الگوی اولیه بر اساس شاخص‌های برازندگی ارزیابی شد. با وجود اینکه مقادیر برخی شاخص‌های برازندگی مانند نسبت مجذور کای به درجهٔ آزادی،  $\chi^2/df$ ، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازندگی افزایشی (IFI) حاکی از برازش نسبتاً خوب الگوی اولیه با داده‌ها بودند، اما بعضی از شاخص‌ها مانند جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)، شاخص برازندگی توکر - لویس (TLI)، و شاخص نیکویی برازندگی تطبیقی (AGFI) نشان دادند که الگوی اصلی نیاز به بهبود دارد. تمام ضرایب مسیر مستقیم در بخش متغیرهای پیش‌بینی و پیامدهای الگو معنادار بودند. روابط واسطه‌ای الگوی اصلی نیز با استفاده از روش بارون و کینی<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) و بررسی سه الگوی رگرسیونی آزموده شدند. از آزمون سوبل<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) نیز برای تعیین معناداری مسیرهای غیر مستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته از طریق متغیر میانجی استفاده شد.

در گام بعدی ارتقای برازندگی الگوی اصلی از طریق حذف کردن مسیرهای نامطلوب (الگوی نهایی) انجام گرفت. تحلیل اولیه نشان داد که مسیر خانواده‌گرایی به عزت نفس و همچنین به خودکم‌بینی دارای بتای معناداری نبود. پس از حذف این دو مسیر، داده‌ها مجدداً تحلیل شدند. در جدول ۳ نتایج تحلیل‌ها بر روی مدل پیشنهادی و مدل نهایی را می‌توان مشاهده کرد. شاخص‌های برازندگی در الگوی نهایی تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای با نتایج برازندگی الگوی پیشنهادی دارند.

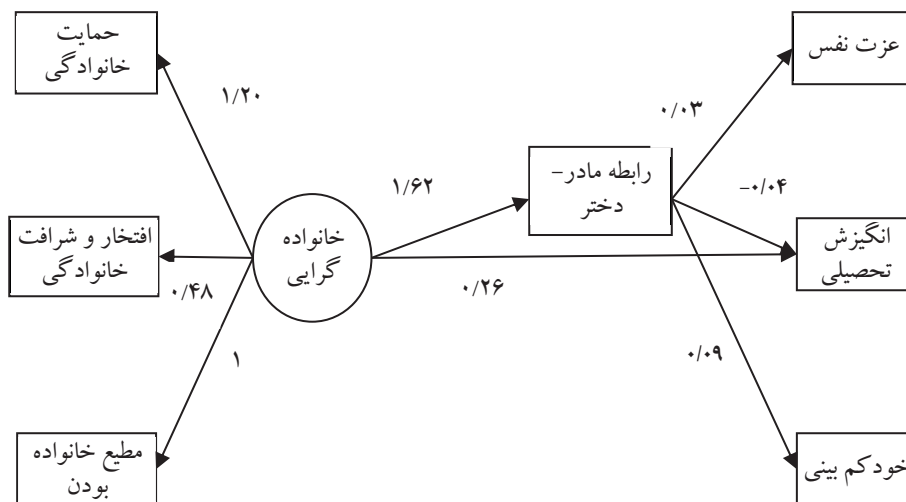
جدول ۳. برازش الگوهای پیشنهادی و نهایی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی

RMSEA	NFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	$\chi^2/df$	Df	$\chi^2$	
۰/۲۹	۰/۷۵	۰/۷۷	۰/۵۴	۰/۷۶	۰/۵۳	۰/۸۲	۲۶/۳۸	۱۱	۲۹۰/۱۷	الگوی پیشنهادی
۰/۰۷	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۸	۲/۳۴	۱۰	۲۳/۴۲	الگوی نهایی

همان‌گونه که مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهند الگوی اول برازش خوبی نداشت.

1. Baron & Kenny
2. Sobel

این برآزش با حذف کردن دو مسیر در الگوی اصلاح شده بهبود یافت. برآزش بهتر را می‌توان در الگوی نهایی ملاحظه کرد. در الگوی دوم ۵ مسیر وجود دارد و دو مسیر از الگوی اولیه حذف شد. با وجود اینکه شاخص‌های اصلاحی برنامه ایموس نسخه ۷ علاوه بر مسیرهای انتخابی مسیرهای دیگری را نیز پیشنهاد کرده بودند، به منظور کاهش مقدار مجذور کای تنها به هم‌بسته کردن خطاهای دو مسیر بر این اساس بسنده شد. بنا بر اظهارات شاوربروک<sup>۱</sup> (۱۹۹۰)، به‌نقل از شکرکن و همکاران، (۱۳۸۶) می‌توان انتظار داشت موارد اختلال (خطا) برای دو متغیر، وقتی دارای علل مشترکی باشند که در الگو منظور نشده‌اند و هم‌پراش باشند. شاخص‌های اصلاحی برای کوواریانس بین دو خطای ۴ و ۳ و همچنین ۵ و ۶ اعمال شد.



شکل ۱. برونداد مدل اصلاح شده نهایی پژوهش حاضر

جدول ۴ پارامترهای مربوط به اثرات مستقیم متغیرها بر یکدیگر را نشان می‌دهد. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، در الگوی پیشنهادی پنج مسیر مستقیم، دارای ضرایب معنادار هستند و دو مسیر مستقیم دارای ضرایب معنادار نیستند. یک فرض زیربنایی الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر، وجود مسیرهای واسطه‌ای بود که جهت تعیین معناداری این روابط واسطه‌ای، از روش بوت استرپ استفاده شده است. جدول ۵ نتایج حاصل از روش بوت

استراب در برنامه ماکرو، آزمون پریچر و هیز<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) را برای روابط واسطه‌ای نشان می‌دهد.

جدول ۴ پارامترهای اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل پیشنهادی و مدل نهایی

مدل نهایی		مدل پیشنهادی		مسیر
P	$\beta$	P	$\beta$	
۰/۰۱	۰/۵۸	۰/۰۱	۰/۵۸	از خانواده‌گرایی به رابطه مادر - دختر
-	-	۰/۸۷	-۰/۰۱	از خانواده‌گرایی به عزت نفس
۰/۰۱	۰/۲۰	۰/۰۱	۰/۲۰	از خانواده‌گرایی به انگیزش تحصیلی
-	-	۰/۸۵	-۰/۰۱	از خانواده‌گرایی به خودکم‌بینی
۰/۰۱	۰/۳۰	۰/۰۱	۰/۳۱	از رابطه مادر - دختر به عزت نفس
۰/۰۱	۰/۲۰	۰/۰۱	۰/۲۰	از رابطه مادر - دختر به انگیزش تحصیلی
۰/۰۱	-۰/۳۲	۰/۰۱	-۰/۳۲	از رابطه مادر - دختر به خودکم‌بینی

جدول ۵ نتایج بوت استراب برای مسیرهای واسطه‌ای

مسیرها	بوت	سوگیری	حد	حد بالا	سطح
خانواده‌گرایی از طریق رابطه مادر - دختر بر	۰/۱۸	۰/۰۴	۰/۱۱	۰/۲۴	۰/۰۱
خانواده‌گرایی از طریق رابطه مادر - دختر بر	۰/۱۸	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۲۶	۰/۰۱
خانواده‌گرایی از طریق رابطه مادر - دختر بر	-۰/۱۹	۰/۰۴	-۰/۲۶	-۰/۱۲	۰/۰۱

حد پایین فاصله اطمینان برای رابطه مادر - دختر به منزله متغیر میانجی بین خانواده‌گرایی و حد بالای آن برای متغیر خودکم‌بینی، انگیزش تحصیلی و عزت نفس با سطح اطمینان برای این فاصله اطمینان ۹۵ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استراب نشان داد با توجه به اینکه برای هر سه متغیر، عدد صفر بیرون از این فاصله اطمینان قرار گرفته شده است، رابطه غیر مستقیم بین متغیرها معنادار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

مدل پیشنهادی این پژوهش به منظور بررسی اثر خانواده‌گرایی بر خودکم‌بینی، انگیزش تحصیلی و عزت نفس دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم شهرستان مسجدسلیمان، با میانجی‌گری رابطه مادر - دختر و با در نظر داشتن مبانی نظری و تحقیقات انجام‌شده،

طراحی و تدوین شد. هدف نهایی پژوهش پس از طراحی و تدوین مدل پیشنهادی، برآزش دادن الگویی ساختاری از روابط بین متغیرها بود. همان‌طور که نتایج نشان داد همه شاخص‌های برازندگی حاکی از برآزش خوب مدل پیشنهادی با داده‌ها بود. نتایج نشان داد خانواده‌گرایی بر رابطه مادر - دختر و انگیزش تحصیلی اثر مستقیم مثبت و بر عزت نفس و خودکم‌بینی اثر غیر مستقیم معناداری دارد. این یافته با نتایج قذاریان و همکاران (۲۰۰۸) همسو است.

به عقیده استیدل و کانتریراس (۲۰۰۳) خانواده‌گرایی نگرشی از چهار مؤلفه مرتبط به هم تشکیل شده است: ۱) ارجحیت خانواده نسبت به فرد، یعنی فرد هر جا که تشخیص دهد، خواسته‌ها و نیازهای خود را فدای خانواده می‌کند، ۲) هم‌پیوندی<sup>۱</sup> خانوادگی، این عقیده که افراد بالغ حتی اگر در خیلی از جنبه‌های زندگی‌شان مستقل شده باشند، باید پیوند عاطفی و فیزیکی قوی‌ای را با خانواده خود حفظ کنند. این عقیده در افراد زمانی قابل رؤیت است که تصمیم می‌گیرند در کنار خانواده خود زندگی کنند، ۳) حمایت خانوادگی، این باور که افراد باید هنگام بروز مشکلات، هرگونه حمایتی را برای خانواده خود فراهم کنند و از آن‌ها نیز همین را انتظار داشته باشند، ۴) افتخار و شرافت خانوادگی، اعتقاد به اینکه افراد وظیفه دارند نام و شهرت خانوادگی و همچنین آبرو و شرافت آن را حفظ و نگهداری و از آن حمایت کنند و هر جا که نیاز باشد از آن دفاع نمایند. در شکل‌گیری رفتار و دیدگاه‌های اجتماعی فرزندان، جنبه‌های عاطفی روابط والدین و فرزندان نقش مهمی دارد (ژو، ۲۰۱۰). در خانواده‌هایی که والدین رفتارهای محبت‌آمیز دارند، معمولاً کودکان نیز با رفتارهای اخلاقی مثبت و احترام به دیگران و انگیزه پیشرفت رشد می‌یابند. پژوهشگران بر این عقیده‌اند که بهترین ملاک و معیاری که بر اساس آن می‌توان کیفیت اخلاقی، اجتماعی و روانی افراد را مورد ارزیابی و دقت قرار داد همان شبکه ارتباطی اعضای خانواده و مجموعه قوانین حاکم بر محیط و جو خانواده است. ارتباط والدین و فرزندان، همدردی در مورد مشکلات، تبادل نظر در مورد مسائل تحصیلی و نظارت بر وضعیت آن‌ها به ایجاد احساس خودکارآمدی و انگیزه بیشتر برای کسب موفقیت‌های بعدی در تحصیل منجر می‌شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم منبع مهم پرورش دهنده سازگاری مناسب تحصیلی و اجتماعی شناخته شده است (رهبر، ۱۳۸۹). حمایت و پیوستگی خانواده می‌تواند روابط صمیمانه و نزدیک مادر و دختر و تعامل سازنده‌ای را

شامل شود که نیازهای روانی نوجوانان را ارضا کند. کیفیت این رابطه می‌تواند همراه با انگیزه‌های تحصیلی دانش‌آموز باشد، زیرا احتمالاً در خانواده‌هایی که خانواده‌گرایی بالایی دارند، موفقیت تحصیلی و پشتکار از ارزش‌های مهم این خانواده‌هاست. خانواده با درونی کردن این ارزش‌ها، زمینه موفقیت و در نتیجه انگیزه‌های بیشتر برای تحصیل را فراهم می‌کند.

در این پژوهش خانواده‌گرایی با عزت نفس و خود‌کم‌بینی رابطه مستقیمی نداشت، ولی خانواده‌گرایی به‌طور غیر مستقیم و از طریق رابطه مادر - دختر بر عزت نفس و خود‌کم‌بینی اثر داشت. خود‌پنداره و عزت نفس فرزند بر مبنای رابطه با اعضای خانواده و به‌خصوص مادر قرار دارد و مادر نقش مهمی در شکل‌گیری آن دارد. عزت نفس، باور و اعتقادی است که فرد درباره ارزش و اهمیت خود دارد. فردی که حرمت نفس دارد معتقد است که انسان مقدس است و به دلیل این مقدس بودن نمی‌توان او را قربانی اعتقادهای دیگران کرد. او معتقد است همه انسان‌ها با هم متفاوت‌اند؛ یعنی بین افراد مختلف با نژادها و قومیت‌های مختلف هیچ فرقی وجود ندارد و همین‌طور انسان‌ها با هم برابرند. همچنین این باور وجود دارد که سه دسته از والدین در شکل‌گیری خود‌کم‌بینی در فرزندشان نقش عمده‌ای دارند: دسته نخست، والدین کمال‌گرا هستند که همیشه از فرزندشان توقع بی‌غلط بودن دارند؛ دسته دوم والدین مقایسه‌گرند. پدر و مادری که معمولاً فرزند خود را با فرزندان دیگران مقایسه و از عبارت «ای کاش» بسیار استفاده می‌کنند؛ دسته آخر والدین سرزنشگرند. خود این پدر و مادرها دچار خود‌کم‌بینی و عدم عزت نفس هستند. هنگامی که کودک از والدین عزت نفس و خوددوست‌داری لازم را نمی‌گیرد و دائماً مورد سرزنش واقع می‌شود، مسلماً در آینده با این حقارت رشد می‌کند؛ بنابراین حس خود‌کم‌بینی در خانواده شکل می‌گیرد (هرمزی‌نیا، ۱۳۹۳). به‌خصوص دختران این مقطع سنی که در حال شکل‌دهی هویت خود هستند، به دلیل تغییرات جسمی و روانی متغیری که تجربه می‌کنند، احتمالاً متغیرهای زیادی در میزان عزت نفس و خود‌کم‌بینی آن‌ها اثر گذارند. لذا در این پژوهش مشاهده شد که خانواده‌گرایی اثر مستقیمی بر عزت نفس و خود‌کم‌بینی ندارد، اما خانواده‌گرایی از طریق کیفیت رابطه‌ای که مادر با دختر خود برقرار می‌کند می‌تواند بر احساس خود‌کم‌بینی یا عزت نفس او اثر داشته باشد.

پژوهش حاضر در میان دختران دوره اول و دوم شهر مسجد سلیمان انجام شد. شهر مسجد سلیمان از نظر فرهنگی تنوع زیادی ندارد و بیشتر آن‌ها اقوام بختیاری هستند که

خانواده، انسجام و آداب و رسوم خانوادگی در آن‌ها اهمیت زیادی دارد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در جمعیت‌هایی با ترکیب فرهنگی متفاوت انجام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر متغیرهای میانجی‌گری که بر عزت نفس و خودکم‌بینی اثر مستقیم دارند، بررسی شوند.

### تشکر و قدردانی

از تمام کارکنان اداری اداره آموزش و پرورش شهرستان مسجدسلیمان و همچنین مدیران مدارس و دانش‌آموزانی که در تکمیل این پژوهش ما را یاری کردند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

### منابع

- بحرانی، م. (۱۳۸۸). بررسی روایی و پایایی مقیاس انگیزش تحصیلی هارتر. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۵(۱)، ۷۲-۵.
- ثناپی، ب. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
- خدادادی سنگده، ج. (۱۳۹۶). مطالعه کیفی عوامل مذهبی مؤثر در شکل‌گیری خانواده سالم بر اساس بافت فرهنگی - اجتماعی. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۱(۱)، ۸۵-۹۸.
- خدایاری فرد، م.، و عابدینی، ی. (۱۳۸۶). مشکلات سلامتی نوجوانان و جوانان. تهران: دانشگاه تهران.
- رجبی، غ.، و عباس پور، ذ. (۱۳۹۲). بررسی پایایی و روایی نسخه فارسی مقیاس خانواده‌گرایی. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۴(۱۴)، ۲۵-۴۲.
- رهبر، ا. (۱۳۸۹). خانواده و نقش عملکرد آن در تربیت دینی، تضاد شیوه‌های تربیتی خانواده و مدرسه. *پیوند*، ۱(۳۳۷)، ۱۷-۱۵.
- شکرکن، ح.، ارشدی، ن.، شهنی بیلاق، م.، و حقیقی، ج. (۱۳۸۶). طراحی و آزمودن الگویی از پیشایندها و پیامدهای مهم انگیزش شغلی در کارکنان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب منطقه اهواز. *علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۱۵(۱)، ۳۲-۱.
- فلاح‌زاده، ه.، کیخا، ف.، و صادقی، م. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش خودمتمایزسازی بر اساس فرهنگ ایرانی بر تمامیت‌خواهی زوجی و تمایز‌یافتگی زنان. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۳(۱)، ۱۰۷-۱۲۵.
- عزیزی‌مهر، ا. (۱۳۹۲). *رابطه عکس تعارض آشکار و تعارض نهان بین والدین با عملکرد تحصیلی با میانجی‌گری رابطه والد - فرزند، رفتار ضداجتماعی و گوشه‌گیری/افسردگی در دانش‌آموزان دختر سال اول دبیرستانی شهرستان دزفول*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- علیزاده، ت.، فراهانی، م.، شهرآرای، م.، و علیزادگان، ش. (۱۳۸۴). رابطه بین عزت نفس و منبع کنترل با استرس ناباروری زنان و مردان نابارور. *باروری و ناباروری*، ۶، ۱۹۴-۲۰۴.

هرمزی‌نیا، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه خشونت و مذهب ادراک‌شده والدین با عزت نفس دختران نوجوان دبیرستان‌های شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.

- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.
- Bernal, M., Haro, J., Bernert, S., Brugha, T., de Graaf, R., et al. (2007). Risk factors for suicidality in Europe: Results from the seemed study. *Journal of Affective Disorders*, 101(1), 27-34.
- Hernandez, C. S. (2017). *Blood is Thicker than Water: Child Maltreatment Risk in the Context of Familism and Mothers' Adult Attachment Representations* (Doctoral dissertation, Mills College).
- Ghazarian, S. R., Supple, A. J., & Plunkett, S. W. (2008). Familism as a predictor of parent-adolescent relationships and developmental outcomes for adolescents in Armenian American immigrant families. *Journal of Child and Family Studies*, 17(4), 599.
- Landale, N. S., & Oropesa, R.S. (2007). Hispanic Families: Stability and Change. *Annual Review of Sociology*, 33, 381-405.
- Parsai, M., Marsiglia, F., & Kulis, S. (2009). Effects of familism and family cohesion on problem behaviors among adolescents in Mexican immigrant families in the southwest United States. *Journal of Ethnic and Cultural Diversity in Social Work*, 18(3), 203-222.
- Preacher, K. J., & Hayes, A. F. (2008). Asymptotic and resampling strategies for assessing and comparing indirect effects in multiple mediator models. *Behavior Research Methods*, 40(3), 879-891.
- Ponzetti, J. J. (2003). *International Encyclopedia of Marriage and Family*. Second edition. New York. The Gale Group, Inc.
- Shwartz, S. J. (2007). The applicability of familism to diverse ethnic groups: A preliminary study. *The Journal of Social Psychology*, 147(2), 101-118.
- Sobel, M. E. (1982). Aysmptotic confidence intervals for indirect effects in structural equation models. In S. Leinhardt (Ed.). *Sociological Methodology* (pp. 290-212). San Francisco: Jossey-Boss.
- Steidel, A. G., & Contreras, J. M. (2003). A new familism scale for use with Latino populations. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 25, 312-330.
- Valenzuela, A., & Dornbusch, S. M. (1994). Familism and social capital in the academic achievement of Mexican origin and Anglo adolescents. *Social Science Quarterly*, 75, 18-36.
- Xu, Y. (2010). *Ethnicity and Psychological Distress Among Latino Adults: Socioeconomic Status, Familism, and Generational Status* (Doctoral dissertation, Kent State University).